

بسم الله الرحمن الرحيم

بحران خانوادگی در جامعه سیکولر غربی

(بخش اول)

واقعیت از بین رفتن خانواده‌ها در دولت‌های سیکولر غربی

(ترجمه)



در ماه اپریل ۲۰۰۸م، پاول کولریج قاضی محاکم خانواده در ناحیه جنوب غربی انگلیس یک سخنرانی را به وکلای مدافع نهاد "ریزولوشن" ایراد نمود که در آن زندگی خانواده‌گی در انگلیس را به‌خاطر از بین رفتن خانواده‌ها به یک ماشین ذوب تشبیه کرد. او گفت: «تعداد زیادی از خانواده‌ها از فرزندانی تشکیل شده که مادران‌شان از پدرانی مختلف آن‌ها را با خود آورده اند، که هیچ‌کدام از این پدران در تربیه و حمایت‌شان سهم نمی‌گیرند... این قضایا موارد نادر نبوده؛ بلکه در محکمه‌های خانوادگی عادی است.» او ادامه داد: «رد پای تقریباً تمام امراض جامعه مستقیماً از سقوط زندگی خانواده ریشه‌یابی می‌شود. ما همه این را می‌دانیم، اگر سابقه تقریباً هر طفل را در سیستم دارالتأدیب اطفال و یا عدلیه جوانان بررسی کنیم، یک خانواده ازهم پاشیده را در خواهیم یافت. به‌همین قسم اگر یک معتاد و یا آن اطفالی را که از مکتب فرار می‌کنند، متوجه شویم. همه این قضایا را بررسی کنید، شما حتماً یک خانواده فقیر را که توسط رابطه شکننده و یا هم ناکارآمد کنترل می‌شوند خواهید یافت.»

این توصیف ناخوش آیند از زندگی خانواده‌گی در انگلیس بعد از نشر خبر وقایع دیگری، به‌شمول سقوط آمار ازدواج در انگلستان و ویزا، به پایین‌ترین سطح از سال ۱۸۶۲ م و بالا رفتن آمار طلاق به بالاترین سطح از سال ۱۹۹۶ م بیرون آمد. (منبع: اداره ملی آمار (ONS)

هم‌چنان نظریات راجع به سقوط ساختار خانواده در انگلیس توسط سیاست‌مداران، فرهنگیان و معلمان نیز درین کشور زبان‌زد شده است. "رابرت ویلن" از اتاق فکر (انستیتوت دولتی مطالعات جامعه مدنی) که اکثراً به دولت انگلیس در امور مدنی مشوره می‌دهد، تجزیه‌های خانواده‌گی را یک مشکلی می‌داند که خیلی بزرگ‌تر از آن است که کمک دولت بتواند آن را حل نماید. او گفت: «در صورتی که تعداد خانواده‌های از هم‌پاشیده کم می‌بود، دولت شاید می‌توانست پول مصرف کرده و اطفال را از دید پولی کمک کند، ولی با مشکل در این مقیاس مقابله کرده نمی‌تواند.» "کارن وودوال" از مرکز خانواده‌های جدا شده گفت: «جدایی در خانواده‌ها به یک حقیقت زندگی در تمام جامعه انگلیس مبدل شده است. اگر شما تمام اجداد اطفالی که والدین‌شان از هم جدا شده‌اند و بزرگ‌سالانی که شریک زندگی‌اند و دیگر والدین جدا شده را اضافه نمایید، به‌نظر می‌رسد که طلاق و جدایی یک مسئله‌ای است که بالای نیمی از جامعه تأثیر گذاشته است.» معلمان در کنفرانس سالانه تشکیلات معلمان و مدرسین در سال ۲۰۰۸ م، سقوط نظم خانواده را یک حلقه زهر آگین که بالای توانایی اطفال برای آموختن و صحت روانی و بدنی‌شان تأثیر بد می‌گذارد، توصیف کردند.

در طول دهه گذشته نظام خانوادگی در انگلیس حالت تاسف‌باری را داشته است. کریستین گای آمر مرکز عدالت اجتماعی و یک اطاق فکر تأثیرگذاری که در مورد مسائل اجتماعی در انگلیس نظر می‌دهد. در یک گزارشی که در سال ۲۰۱۳ م با عنوان "خانواده‌های شکسته، چرا ثبات مهم است" از یک سونامی سقوط نظم خانواده‌ها درین کشور هشدار داده بود. او بیان کرد: «هزینه انسانی، اجتماعی و اقتصادی (سقوط نظم خانواده) برای اطفال و بزرگ‌سالان بدون در نظر داشت این که این امر عاجل ملی است، مخرب بوده و رسیده‌گی به این امر از طرف سیاسیون چپ و راست به گونه ضعیف برخورد شده است.

این سونامی فروپاشی خانواده، آینه‌دار حالت جهان غرب است. در انگلیس آمار طلاق به ۴۲ درصد می‌رسد. در سال ۲۰۱۲ م در هر ساعت ۱۳ طلاق در انگلیس و ولز به ثبت می‌رسید. در امریکا ۵۳ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند. در سوئد این آمار ۶۴ درصد و در بلجیم رقم حیرت‌آور ۷۰ درصد است. (منبع آمار از بزنس انسایدر)

بر اساس آمار اروپا، بین سال‌های ۱۹۶۵ م الی ۲۰۱۳ م، آمار طلاق در ۲۸ کشور اروپایی دو برابر شده است. این افزایش زیاد طلاق با افزایش تعداد افراد سرپرست خانه‌وار؛ خانوارهایی که اطفال با یکی از والدین‌اش زندگی می‌کنند، همراه بوده است. در انگلیس، در بین سال‌های ۱۹۹۶ م الی ۲۰۱۲ م، تعداد افراد سرپرست خانه‌وار تنها ۲۵ درصد یعنی دو میلیون افزایش یافته که حاکی از یک چهارم تمامی خانواده‌های مستقل است. در حقیقت به‌اساس آمارهای دولتی، نزدیک به نیمی از ۱۵ ساله‌ها در کشور با هر دو تن از والدین خودشان زندگی نمی‌کنند. در جوامع فقیرتر این آمار به دو سوم همه نوجوانان افزایش می‌یابد. اکثریت مطلق (۹۲ درصد) خانواده‌ها با

یک سرپرست توسط مادران اداره می‌شود که بسیاری در تربیهٔ اطفالشان به‌مشکل بر می‌خورند، در حالی که آنها تنها نان‌آور خانواده‌شان هستند.

هرسال بیست هزار تن، که بیشترشان زنان اند، به این ارقام اضافه می‌شود. نتیجهٔ همهٔ این واقعات این است که تعدا عظیمی از اطفال در انگلیس، یک طفل از سه طفل، بدون پدر در خانه بزرگ می‌شوند که طبق ارزیابی‌ها یک الی دو ملیون تن از آنان از هرگونه تماس با پدرانشان بی‌بهره و یا کاملاً محروم اند. آمار رسمی ثبت تولد برای ۲۰۱۵ نشان داده که بیش از نیمی از مادران جوان با پدرانشان زندگی نکرده و یا هم پدرشان ثبت نشده است. انستیتیوت پدران اعلام کرده که از هر شش طفل یکی از آنها تا زمانی که آنها به شانزده‌ساله‌گی برسند، پدرشان را هرگز ندیده اند. دیوید کامرون نخست وزیر سابق انگلیس، در کنفرانس حزب محافظه‌کار در سال ۲۰۱۵ بیان کرد: «امروزه امکان این که یک نوجوان شامل مکتب متوسطه موبایل هوشمند داشته باشد، بیشتر است تا این که یک پدر بالای سر خود داشته باشد.»

این امر در دیگر دولت‌های سیکولر غربی نیز به‌همین منوال است. بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۰ م در امریکا، از هر سه طفل یکی (۱۵ میلیون) بدون پدر و نزدیک به پنج میلیون بدون مادر زندگی می‌کنند. در بعضی ساحات شهری، حتی از هر ده طفل یکی پدر دارد. درکنار بیماری همه‌گیر، فروپاشی خانواده‌ها در کشورهای سیکولر غربی یک کاهش چشم‌گیر نیز در آمار ازدواج‌ها در طی چند دههٔ اخیر رخ داده است. طبق آمار "یورو استیت" در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۶۵ م و ۲۰۱۳ م، آمار ازدواج‌ها در بیست و هشت کشور اروپایی نزدیک به ۵۰ درصد کاهش یافته است. در انگلیس طی ۴۰ سال گذشته تناسب جمعیت کلان‌سال که ازدواج کرده اند، از ۷۰ درصد به نصف کاهش یافته است. (منبع: CSJ)

سال ۲۰۱۳ م آمار ازدواج به‌پایین‌ترین حد خود رسید و ریکارد شکست. به‌گفتهٔ ادارهٔ ملی احصایه، تنها نیمی از نوجوانان در کشور ازدواج می‌کنند. در بسیاری از کشورهای شمالی مثل آیسلند، دنمارک و ناروی، تنها ۳۰ درصد زنان متاهل هستند که این رقم برای زنانی که در بین سنین ۲۵ و ۲۹ سالگی هستند، به کمتر از ۲۰ درصد کاهش پیدا می‌کند. (منبع: worldatlas.com)

در مقابل این کاهش آمار ازدواج، زندگی باهم (زوج‌هایی که بدون ازدواج باهم زندگی می‌کنند) در کشورهای غربی و در پی به‌رسمیت شناخته شدن آن منحصیث یک شکل قبول شده، خانواده در پهلوی ازدواج‌های قانونی، در جوامع لیبرال به اوج خود رسیده است. به‌این ترتیب در انگلیس در حالی که در سال‌های دههٔ ۶۰ م کمتر از یک تن از هر صد بزرگ‌سال، زیر سن ۵۰ سال زندگی باهم (خارج از ازدواج) داشتند. این رقم به یک تن از هر پنج تن امروزه افزایش یافته است، که ۳,۳ میلیون فرد را شامل می‌شود. در حقیقت زندگی باهم بیشترین رشد خود را در طول دو دههٔ گذشته در کشور داشته است.

این برخلاف واقعیتی است که مطالعات و گزارشات پی‌درپی واضح ساخته که ازدواج باثبات‌ترین راه برای طفل آوردن است و خانوارهایی که برپایهٔ زندگی باهم گذاشته شده اند، از احتمال فروپاشی بیشتری نسبت به خانواده‌های ازدواج کرده برخوردار اند. طبق

آمار ارائه شده توسط تشکیلات "نهاد ازدواج" اطفال انگلیسی در خانواده‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، به دنیا می‌آیند، ۹۴ درصد بیشتر احتمال دارد که جدایی والدین شان را قبل از آن که به سن ۱۲ سالگی برسند، نسبت به اطفال متولد در خانواده‌هایی مزدوج ببینند.

در نتیجه این سبک زندگی لیبرال در غرب، دیگر عجیب نیست که تولدهای خارج از ازدواج (زنازاده) در این کشورها افزایش یافته است. آمارهای "یورو استیت" نشان می‌دهد که سهم تولدهای خارج از ازدواج در ۲۸ کشور اروپایی در سال ۲۰۱۴م، ۴۲ درصد بوده است. در سال ۲۰۱۵م تولدهای خارج از ازدواج در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا از تولدهای مشروع و داخل ازدواج پیشی گرفته که طور مثال: فرانسه ۵۹ درصد، سویدن ۵۵ درصد، دنمارک ۵۶ درصد، ایستونیا و اسلوانیا ۵۸ درصد بوده است. (منبع: یورواست) در انگلیس تقریباً نیمی از تمام نوزادان (۴۷ درصد) خارج از ازدواج متولد می‌شوند، در حالی که در سال‌های ۱۹۴۰م این رقم در حدود ۶ درصد بود. (منبع: ONS)

بر اساس یک مطالعه توسط دانشگاهیان در دانشگاه جان هاپکینز امریکا که در سال ۲۰۱۲م نشر شد، ۵۷ درصد والدین ۲۶-۳۱ ساله در امریکا طفل خارج از ازدواج داشته‌اند. برعلاوه سونامی فروپاشی خانواده در غرب، مشکلات بزرگ دیگری نیز مثل کم بودن زمانی که والدین با اطفال شان سپری می‌کنند، بدلیل مصروف بودن هر دوی شان در کار بیرون از خانه، زندگی خانوادگی را متأثر ساخته است. اثرات "زن قهرمان" که سخت مصروف توازن زندگی خانه با شغل درجه بالا است و کوچک شدن تعداد خانواده تا این که زوجها داشتن طفل کم تر و یا حتی نداشتن هیچ طفلی را انتخاب نمایند که مشکل فاصله طفل را در یک تعداد کشورهایی مثل: فرانسه، آلمان و اسپانیا به وجود آورده، نتیجه آن جمعیت پیر بیشتر و جوان کمتر برای نگهداری آنان است.

کاهش ارزش زندگی خانوادگی در انگلیس و در بسیاری از جوامع سیکولر غربی به وضوح قابل مشاهده است. به همین قسم عواقب خانواده‌های فروپاشیده یا ناکارآمد که زندگی بسیاری به خصوص اطفال، مشکلات متعدد اجتماعی ریشه‌ای این کشور را به تباهی کشانیده است. قاضی "پاول کولریدج" این اندازه از سقوط و فروپاشی خانواده‌ها را در انگلیس به عنوان "...یک کارنوال دوام‌دار بدبختی انسان و یک دریای ناآرام اندوه انسانی" توصیف کرده است.

نویسنده: داکتر نسرين نواز

رئیس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۴ محرم ۱۴۴۰هـ.ق

۴ اکتوبر ۲۰۱۸م